

دریچه

مرگ پایان دولت «چاوز» نیست

معاون «چاوز» رئیس‌جمهور موقت ونزوئلا شد

تانیا تجلی

● به‌رغم اینکه چاوزی دیگر در میان نیست اما دولت او تمامی ندارد. دست راست او اینک گزینه احتمالی ریاست‌جمهوری است. فعلا موقت، اما نظرسنجی‌ها می‌گویند احتمال اینکه جانشین چاوز برای شش سال آینده شود وجود دارد. به گزارش رویترز، بعد از ورود چاوز به ونزوئلا نظرسنجی‌ای صورت گرفت که نشان می‌داد ۵۰درصد از مردم ونزوئلا در صورت رخ دادن هر گونه اتفاقی برای چاوز به نیکلاس مادورو رای خواهند داد. این در حالی است که هنریک کاپریلس، یکی از مخالفان سرسخت چاوز، تنها ۲۶درصد احتمال دارد که به عنوان رئیس‌جمهور این کشور انتخاب شود. کاپریلس رقیب ۴۰ ساله چاوز در انتخابات سال گذشته به‌رغم حمایت‌های خارجی نتوانست رئیس‌جمهور این کشور شود و مبارزه را به چاوز که بیش از یک دهه سکان هدایت کشور را در دست دارد، واگذار کرد. با این حال رویه‌های موجود همگی حکایت از ورود مادورو به کاخ ریاست‌جمهوری دارد. هتنگلی که هوگو چاوز رئیس‌جمهور ونزوئلا برای ادامه درمان سرطانش ونزوئلا را به مقصد کوبا ترک می‌کرد، با اطمینان خاطر کشورش را به دست مادوروی سپرد که بسیار مورد وثوق او بود. مادورو زمانی که چاوز در سال ۱۹۹۲ به اقدام به کودتا علیه کارلوس اندرس پز - رئیس‌جمهور وقت ونزوئلا - متهم شد و به زندان افتاد، راننده اتوبوس بود و بسته به شرایطی نتوانست به چاوز نزدیک شود. در همان زمان مادورو تلاش کرد هر طور شده چاوز در بند را نجات دهد که سرانجام در سال ۱۹۹۴ موفق به این مهم شد. زمان گذشت و با رسیدن قدرت به چاوز، مادوروی ۵۰ ساله دو پست معاونت رئیس‌جمهور و وزیر خارجه ونزوئلا را بر عهده گرفته‌ا و به واسطه همین دو سمت در اغلب سفرهای چاوز به کوبا در کنارش دیده شد. هوگو چاوز پیش از سفرش به کوبا گفته بود: «گر اتفاقی در این سفر برایم افتاد و موجب ناتوانی من شد مادورو جانشین من است» چاوز همچنین از رای‌دهندگان خواسته بود تا



مادورو را حمایت کنند و به مردمش توصیه کرده بود تا در نبود او به این مرد رای اعتماد دهند. به گزارش «سان‌ان» او در ستایش مادورو گفته بود: «مادورو یکی از رهبران جوان با توانی فوق‌العاده است.» حالا انتخابات ریاست‌جمهوری ونزوئلا ۳۰ روز دیگر بر گزار خواهد شد و نیکلاس مادورو در این دوره موقت‌رزام امور کشور را به دست خواهد گرفت. این در شرایطی است که همزمان با مرگ چاوز هفت روز عزای عمومی در ونزوئلا اعلام شده؛ همچنین ارتش ونزوئلا هم با اعلام وفاداری به مسادورو اعلام کرده که برای حفظ نظم و آرامش نیروهای امنیتی در سراسر کشور مستقر می‌شوند، با این حال تحلیلگران معتقدند ائتلاف میان هنریک کاپریلس رادونسیکی کاندیدای سابق ریاست‌جمهوری و حزبی که اتحاد دموکراتیک ونزوئلا نامیده می‌شود قوی‌ترین اپوزیسیون دولت محسوب می‌شوند. چند روز پیش بود که هنریک کاپریلس فرماندار ایالت می‌لندا و رهبر اپوزیسیون ونزوئلا دولت را به دروغ‌گویی درباره وضعیت چاوز متهم کرده بود و گفته بود که حقیقت در روزهای آتی معلوم خواهد شد. گفتنی است به دنبال درگذشت هوگو چاوز هزاران نفر از مردم عزادار ونزوئلا به خیابان‌های مرکز شهر کاراکاس آمده و در عزای رئیس‌جمهوری محبوب‌شان گریسته و همدگر را در آغوش گرفته و شعارهایی در حمایت از وی سر دادند. برخی از آنها تی‌شرت‌هایی به تن داشتند که این شعار روی آن نوشته شده بود: «فرمانده به پیش بروا».

ادامه از صفحه اول

تصرف منابع طبیعی و دامنه خلع پدها

هفته‌های آخر سال که با سوزی بهار ما را به خودمان می‌آورد و بخت محیط زیست غم می‌شود بجاست به جای داد سخن‌های کذا و گزارش خفخ‌فلوح اراضی مکشوفه و رفع تصرف شده که گاه از متراز هر زمین هم فراتر می‌رود؛به اطرافمان نگاه کنیم و همین حریم رودخانه چالوس و جابرجو که در منظر مسوولان امر است را نقدا بررسی کنیم. وقتی می‌گویند مردم‌های تهران سالانه به اندازه یک تا دو کیلومتر در حال بالا رفتن است و زمانی که مرز شمالی تهران ۷۵ کیلومتر فرض شود، پیشروی سالانه دو کیلومتر سبب خروج ۱۵۰ کیلومتر مربع زمین از محدوده عرصه‌های طبیعی خواهد شد. همین یک قلم را فروری دستگامالکیت بگذاریم و تحلیل و تحلیل کنیم. ای کاش کاری کنیم که نسل‌های بعدی ما با شمامت، قدر ناشناسی ما از موابط الهی و منابع سرشار زیست‌محیطی را به بهای سسوداگری، به پایمان بنویسند و شرم‌نده باشیم. نظام حقوقی در کنار هماهنگی و ارزش گذاری و اولویت‌بخشی دستگامها خصوصا ناجا، سازمان ثبت اسناد و املاک کشور، دادگستری، مجلس، شورای نگهبان، ادارات منابع طبیعی و غیره که بخشی از امور مرتبط با مالکیت زمین را انجام می‌دهند، می‌توانند زمینه کاهش زمین‌خواری را فراهم آورند و شورای عالی حفظ حقوق بیت‌المال در امور اراضی و منابع طبیعی که اکنون کمتر بروز بیرونی دارد، در نقش هماهنگ کننده، قاطعه‌ده و در راستای خیر عمومی و حقوق زیست‌محیطی شهربانان، در عمل شود. امید آنکه همه برای حیات محیط‌زیست از جان و دله مایل بگذارند.

از دموکراسی رادیکال تا سوسیالیسم پوپولیستی

حمیدرضا آریان‌پورناندک نیست در تاریخ سیاست شمار کسانی که با تجربه محبوبیت، راه متفاوتی رفت‌اند. هوگو چاوز را هم در میان رهبرانی می‌توان گذاشت که میراثی متناقض بر جای گذاشته‌اند. مسیری که او در نزدیک به ۱۵ سال سیاست‌ورزی خود در ونزوئلا پیش گرفت، مدعی «دموکراسی مستقیم» بود اما آنچه اکنون در این کشور آمریکای لاتین در جریان است، بیشتر «سوسیالیسم پوپولیستی» را به ذهن می‌آورد. در یک‌ونیم دهه گذشته دموکراسی در ونزوئلا که در دهه ۸۰ از نمونه‌های دموکراسی آمریکای لاتین بود، روزبه‌روز کم‌بهره‌تر شده و سوسیالیسمی که نوید رفاه می‌داد، آن به آن بیشتر به پوپولیسم بی‌نتیجه گراییده است. مویبیسس ناییم، نویسنده ونزوئلایی، در نوشته‌ای به مناسبت مرگ چاوز می‌نویسد: «چاوز» هودارانش ادعا می‌کنند که در طول تصدی او ۱۵ انتخابات و فرماندم انجام شده و برنامه‌های اجتماعی او مشارکت و «دموکراسی مستقیم» و «دموکراسی رادیکال» را ارتقا داده است.» مویبیسس اما که در اوایل دهه ۹۰ وزیر تجارت و صنعت ونزوئلا بوده، با اشاره به سخنان اسکات میتروانیتنگ، از اساتید برجسته آمریکا، این ادعا را رد می‌کند. اسکات بر این باور است که دموکراسی نیازمند انتخابات آزاد و عادلانه برای قوای مجریه و مقننه، احترام به حقوق شهروندی، حفاظت از حقوق سیاسی و آزادی‌های مدنی و کنترل مدنی ارتش است. اسکات می‌نویسد: «رژیم چاوز در مورد این نخستین وسومین ویژگی‌های تعریف‌کننده دموکراسی نقص دارد. زمین بازی انتخابات کج است و احترام به حقوق مخالفان به شدت از بین رفته است. ارتش بسیار بیشتر از زمان روی کار آمدن چاوز سیاسی شده و در سیاست درگیر است.» هوداران چپگرای چاوز در دیگر کشورها هم مانند حامیان داخلی می‌گویند «دموکراسی رادیکال» به «تقسیم» را برای سالیان سرشته‌داری او بر جسته‌کنند. «دموکراسی رادیکال» یا «دموکراسی ریشه‌ای» ایدئولوژی‌ای است که از سوی ارنستو لالاو و شانتال موفه در کتاب «هژمونی و استراتژی سوسیالیستی» جان گرفته است. این کتاب که در سال ۱۹۵۸ منتشر شده استدلال می‌کند که جنبش‌های اجتماعی که برای ایجاد تغییرات سیاسی و اجتماعی تلاش می‌کنند نیاز به استراتژی‌ای دارند که مفاهیم نولیبرال و نوحفاظله‌کارانه را به چالش بکشد. «دموکراسی مستقیم» هم چنان که از نامش برمی‌آید شکلی از مرمسلاری است که در آن مردم مستقیما درباره تدبیرهای سیاسی نظری می‌دهند. سابقه سرکوب در ونزوئلا اما نشان می‌دهد که این واژه‌ها هم در راستای برنامه‌های پوپولیسمی دولت به کار رفته‌اند. «چاوزیزمو» – چنان که چاوزی‌ها سیاست‌های چاوز را می‌خوانند- از زمان تثبیت قدرت چاوز در بی اجرای سوسیالیسم به نفع مردم و به‌ویژه قشر فقیر جامعه ونزوئلا بوده است. اما پوپولیسم سایه‌ای بزرگ بر سر آن دارد. چاوزیزمو را می‌توان در داخل با پوپولیسمی بود. خارج باضادامیریالیسم بودن معنا کرد. دستور کار آنچه چاوز «انقلاب بولیواری» نامیده گرچه اقداماتی مانند ملی‌سازی صنایع کلیدی را برای ونزوئلا همراه داشته اما با عدم تدبیر کافی بـرای اداره آنها هم همراه بوده است. چاوز صنایع انرژی، فولاد، غذایی و مالی را ملی و اموال شرکت‌های بین‌المللی را مصادره کرده، ولی به

نگار حسیني:اگر داوری عمومی در مورد هوگو چاوز، رئیس‌جمهوری تازه در گذشته ونزوئلا در مورد «پوپولیست» بودن او را بپذیریم، سخنرانی‌های عجیب و غریب و قضاوت‌های جسورانه‌اش در طول ۱۴ سال ریاست دولت کاراکاس، بیراه نیست، به هر حال باید زیست‌تاریخی از شاخصه‌های رهبران پوپولیست، اظهارنظرهای جنجالی و تکان‌دهنده است؛ چیزی که عامه مردم را به هیجان می‌آورد. نیویورک تایمز، تعدادی از تیرهای متفاوت را که رفتار هوگو چاوز موجب آنها بوده، گردآوری کرده است:

سخنرانی جسورانه پس از کودتای نافرجام
فوریه ۱۹۹۲:سلسله‌خبرسازی‌های چاوز، از فوریه ۱۹۹۲ آغاز شد، جایی که او در کودتایی نافرجام که علیه دولت پسر در ونزوئلا ترتیب داده بود به زندان افتاد. پس از دستگیری، او در تلویزیون دولتی این کشور ظاهر شد و از اعضای حزب متبوعش خواست استادگی کنند. گویا او بعد از دستگیری نیز همچنان تمایلی به عقب‌نشینی نداشت. چاوز ونزوئلا را می‌خواهد به هم حزبی‌هایش گفت: «رفقا! در کمال تاسف ما نتوانستیم در پایتخت به خواسته‌هایمان برسیم، ما نتوانستیم قدرت را به دست بگیریم. شما برای انجام این کار همه تلاش‌تان را کردید، اما حالا ما در زمانی هستیم که باید از خونریزی اجتناب کنیم. حالا زمانی است که باید کشور را به‌وسیله سرنوشته‌ی بهتر سوق داد».

جشن تولد همراه با پدر معنوی کوبایی
۲۰۰۱:آقای چاوز و فیدل کاسترو، رهبر کمونیست کوبا، اغلب جشن تولدهایشان را با هم می‌گذرانند. این فرصتی بود برای آنها تا احترام متقابل خود را نشان دهند. هوگو چاوز در سال ۲۰۰۱، رفیق کوبایی ۷۵ ساله شد. برای گذراندن جشن تولد به ونزوئلا روزه‌ای خواهند. در این مراسم به او لقب پدر معنوی اعطا کرد که معمولا بعد از این تاریخ، کاسترو را به این عنوان می‌نامید. در همین سال دو رفیق در تور بازدید از جنگل‌های بارانی ونزوئلا با هم همراه شدند. چاوز با این کار تلاش کرد به فیدل نشان دهد چقدر به او علاقه‌مند است که البته به نظر می‌رسد کاسترو نیز به این پاسخ درخور داده است. چاوز خطاب به کاسترو گفت: «ما این شانس را بده تا

نگاهی به ۱۵ سال فعالیت «چاوزیزمو» در ونزوئلا



نگار حسیني

دلیل نداشتن فناوری‌های لازم و سرمایه‌گذاری نامناسب در آمده‌های نفتی چیزی دست ونزوئلا را نگرفته است. پال رودریک گرگوری، محقق موسسه هورور دانشگاه استنفورد و استاد اقتصاد دانشگاه هیوستون، دیروز در مقاله‌ای در فورس نوشت: «چاوز» سیاست‌های سوسیالیسم اجتماعی، پوپولیسم، ملی‌سازی و ضدآمریکایی بودن کینه‌جویانه را به هم آمیخته است. چاوز در سه انتخابات گذشته از رسانه‌ها و سیاست‌های پوپولیستی، یارانه‌ها، فساد و توزیع مستقیم به فقرا برای شکست دادن طبقه متوسط و مخالفان قدرتمند در اقتصاد بهره برده است.» چاوز هر یکشنبه با حضور در تلویزیون به تبلیغ برنامه‌های خود می‌پرداخت. اما حالا برنامه‌های او به گسترش محله‌های فقیرنشین کمک کرده است. او هم گرفتار «فقرین نفتی» هم‌گیر در کشورهای نفت‌خیز شد. او در سال ۲۰۰۲ با تظاهرات بزرگ مخالفان و گسترش اعتراضات و عدم پشتیبانی ارتش ناچار به کناره‌گیری شد اما تغییر نظر ارتش به دلیل عدم رضایت از سیاست‌های پیش‌بینی‌شده جانشین احتمالی او و بازگشتش به قدرت، کارزمایی را برای او پدید آورد که به سال‌های گذشته در ترکیب با پوپولیسم برای سرکوب سیاسی کار رفته است. درواقع مشکل دموکراسی در چاوزیزمو همین است که از صندوق‌های رای برای جلب هواداری مردم استفاده می‌شود و پس از انتخابات همه کسانی که نامی جز چاوز را بر برگه‌ها نوشته‌اند نادیده گرفته می‌شوند. حتی در آخرین انتخابات هم چاوز واقعا رای آورده اما مساله استفاده غیرمشرع او از ابزارهای دولتی برای کنار زادن مخالفان است. بخشی از رفتارهای پوپولیستی او را می‌توان در نمایش‌های عمومی‌اش دید. اکونومیسث می‌نویسد: «به لحاظ جسمی او فنایپذیر می‌نمود. هوگو چاوز مرد بلندقامتی نبود اما فرمونند بود مانند یکی از تانک‌هایی که در ارتش فرماندهی می‌کرد. او دارای انرژی پایان‌ناپذیری بود. پیوسته در داخل و خارج کشور در حال مسافرت بود. هر یکشنبه به برنامه زنده تلویزیونی می‌آمد که گاه تا ۱۲ ساعت به طول می‌انجامید. اول صبح به وورایش زنگ می‌زد تا براهیشان نطق کند. ۱۴ سال هرچه در ونزوئلا رخ می‌داد از دستان او گذشته بود، با دست‌کم او دوست داشت چنین فکر کند» بخشی دیگر از

همه «تیت‌ر یک‌های» یک رئیس‌جمهور

به تو نشان دهم چه اندازه دوست داریم»، کاسترو در پاسخ به این ابراز محبت چاوز گفت: «هن پیش از این هرگز چنین محبتی دریافت نکرده بودم.» در قسمت جشن‌های تولد، چاوز از شیوه‌های بسیاری برای ابراز علاقه به فیدل استفاده کرد. از این روش‌ها می‌توان به فرستادن پیام‌هایی روی توپیتیر که در انتهای آنها علامت تعجب بود اشاره کرد. یک نمونه از این پیام‌ها این است: «نرژژی و توان او را به وضوح می‌توان دید، او نمونه‌ای از عزم و اراده انقلابی است» زندمداد فیدل».

از میان رفتن همکاری با ایالات متحده در جنگ با مواد مخدر
۷ اگوست ۲۰۰۵:در اگوست ۲۰۰۵ چاوز همکاری دولت ونزوئلا با ایالات متحده را در راستای مقابله با قاچاق مواد مخدر به حالت تعلیق درآورد. این اتفاق بعد از آن بود که آمریکا دولت چاوز را متهم کرد به اندازه کافی برای جلوگیری از خروج کولکاین از مرزهای این کشور و قاچاق آن به آمریکا و اروپا تلاش نمی‌کند. بعد از این، روابط خصمانه میان چاوز و ایالات متحده همواره ادامه یافت.

اعطای لقب «شیطان» به جورج بوش
۲۰ سپتامبر ۲۰۰۶:چاوز همه تلاش خود را کرد تا ایالات متحده و رئیس‌جمهوری راستگرای آن، جورج بوش را تحقیر کند. او در مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۶، با لحنی نیشدار و گزنده، بوش را با لقب شیطان خطاب کرد. او به علاوه فراموش نکرد که بگوید: «بوش خیال می‌کند مالک جهان است.» چاوز بدو سخنرانی خود در مجمع علنی گفت: «دیروز، شیطان به اینجا آمد، درست همین‌جا و به جایگاه سخنرانی اشاره کرد… او تاکید کرد که این جایگاه هنوز بوی گوگرد می‌دهد و گوگرد اشاره به جنس شیطان داشت.»عصبانیت چاوز به آن علت بود که دولت بوش کاراکس را به تشویق مخالفان در بولیوی، حمایت از شورش‌های در کلمبیا، ترابی با فیدل متحده کاسترو و نیز تحریک تنش‌ها میان روابط ایالات متحده و ونزوئلا

جهان

پایتخت این کشور از بغداد و کابل هم به لحاظ جرم و جنایت و آدمربایی خطرناک‌تر شده است. به رغم وعده برابری این روزها شکافی در جامعه پدید آمده که نرخ جرم را بیش از هر زمان دیگری افزایش داده است. بر اساس گزارش‌های سازمان ملل، ونزوئلا تامين‌کننده اصلی موادمخدر اروپاست. وزارت خزانه‌داری آمریکا هشت عضو بلندمرتبه این کشور را در قاچاق موادمخدر دخیل می‌داند. گزارش‌ها می‌گویند این کشور حالا از سوی سازمان‌های بین‌المللی پناهگاه جاعلان، پولشویان و قاچاقچیان انسان و اسلحه دانسته می‌شود. آمار سازمان‌های جهانی در مقوله آزادی هم مانند اقتصاد و فساد هشداردهنده‌اند. «خانه آزادی» رسانه‌های ونزوئلا را «فیزارآذ» ارزیابی کرده و گزارشگران بدون مرز ونزوئلا را میان بدترین ناقضان آزادی در آمریکای لاتین جای داده است. این روی دیگری از پوپولیسم چاوزی است که در آن از حمایت فانتک‌های پشتیبان یا ذی‌نفعان اقتصادی برای سرکوب معترضان و مخالفان استفاده می‌شود. اکونومیسث سیاست‌های پوپولیستی چاوز را نوعی راین‌هود بودن می‌داند. اکونومیسث می‌نویسد: «او میان میلیون‌ها مردمی محبوب است که گمان می‌کنند دارد. اتصاد کاسترو و چاوز در بولیوی، اکوادور و نیکاراگوئه موج‌های پوپولیستی دیگری را دامن زد و مورالس، کوآ و اورنگارا محبوب کرد. اما «سوسیالیسم» آغشته به «پوپولیسم» او، میوه‌های شیرینی به بار نیاورده است. در این ۱۵ سال اقتصاد هم مانند دموکراسی آسیب دیده است. در حالی که ونزوئلا در دوره زمامداری چاوز به لطف نفت ۱۴۷دلاری بیشترین درآمدهای تاریخ این کشور را داشته است حالا ونزوئلا یکی از بدهکارترین کشورهای دنیاست. ونزوئلا که پنجمین صادرکننده نفت دنیاست اکنون یکی از بالاترین نرخ‌های تورم را در دنیا دارد و حتی در بخش نفت هم افت توانایی تولید را تجربه می‌کند. در دوره اجرایی شدن چاوزیزمو وابستگی به نفت هم بیشتر شده و حالا ۹۵درصد درآمدهای دولت است. گرگوری در فورس می‌نویسد مخالفان چاوز بر این عقیده‌اند که درآمدهای نفتی هم در راستای سیاست‌های پوپولیستی در طرح‌های هزینه شده و می‌شوند که عام‌المنفعه نیستند. رتبه کشور در رقابتی بودن اقتصاد سقوط کرده و جذب سرمایه‌های خارجی بسیار داشته است. بدترین اتفاق شاید رشد فساد باشد؛ فسادى که مبارزه با آن از وعده‌های همیشگی چاوز و همراهانش بود. سوسیالیسم وعده داده‌شده چاوز چنان بوده که مویبیس در نوشته خود می‌آورد: «هورزای بولیواری، نامی که ونزوئلایی‌ها بر الیگارشى جدید شکل گرفته توسط متحان نزدیک رهبران، خانواده‌ها و دوستان رژیم گذاشته‌اند، از طریق قراردادهای فاسد با دولت ثروت هنگفتی اثباتشته است.» مدیریت نادرست دولتمردی که کارلوس فونتنس، نویسنده اهل مکزیک، او را «موسولینی منطقه استوایی» خوانده بود، از سوی دیگر باعث شده که ونزوئلا که کشوری با منابع سرشار کشاورزی است حالا وارذکننده بزرگ موادغذایی باشد. پوپولیسم دولتی یک مساله بسیار مهم دیگر را هم در ونزوئلا پشت گوش انداخته است. کاراکاس حالا یکی از ناامن‌ترین شهرهای دنیاست. در حالی که دولت به تبلیغ‌شکل‌گیری جامعه‌سوسیالیستی پوپایی پرداخته،

اعلام اینکه سرمایه‌داری مرخ را کشته است
۲۲ مارس ۲۰۱۱:چاوز در طول دوره فعالیت سیاسی خود تلاش کرد با روش‌های خلاقانه نشان دهد تاثیر سرمایه‌داری و نخیه‌گرایی حتی خارج از مرزهای کره زمین بود است. او در مارس ۲۰۱۱ یک سخنرانی مهم‌شده گفت: «هن همیشه گنگنام و نینجادماد که روی مرخ تمدن وجود داشته اما احتمالا سرمایه‌داری به آنجا نفوذ کرده و تمدن را نابود کرده است.» به روش‌هایی مشابه چاوز بارهاسرمایه‌داری و نخیه‌گرایی را شامت کرد. **مقصر قلمداد کردن ایالات متحده در سرطان**
دسامبر ۲۰۱۱:در دسامبر ۲۰۱۱، چاوز اعلام کرد که ایالات متحده در سرطان او و دیگر رهبران آمریکای لاتین مقصر است. او گفت: «این بسیار دشوار است که در مورد آنچه بر سر ما می‌آید در آمریکای لاتین، توضیح دهیم. او در سخنرانی خود برای ارتش، بیماری دیلما روسف در برزیل، کریستینا فرناندز کرچر در آرژانتین و فرناندو لوگوسى پاراگوئای را به ایالات متحده آمریکا نسبت داد با این توضیح که این دشوار است که متوجه بشویم آمریکایی‌ها با گسترش تکنولوژی در ۵۰ سال اخیر برای ملت‌های لاتین سرطان به ارمان آورده‌اند. **تردید در علت مرگ «بولیوار»**
۵ آوریل ۲۰۱۲: چاوز در آوریل ۲۰۱۲ در یک سخنرانی خود از شاگردان سیمون بولیوار، اشراف‌زاده آمریکای لاتین در قرن ۱۹ می‌پرسید که او شیفنتی خود را دو سال پیش از این نیز بروز داده بود، جایی که به دانشمندان اجازه داد بقایای جسد سیمون بولیوار را بررسی کنند. او عقیده داشت بولیوار نه به دلیل ابتلا به سل که به دلیل مسمومیت مرده‌است. این فرضیه چاوز هرگز تأیید نشد. **اهدای خانه به هودار توپیتیری**
۲۰۱۲:پیگیری توپیت‌های چاوز در توپیتیر، مزایای زیادی برای افراد داشته است. در تابستان اخیر او یک آپارتمان نو به یک دختر ۱۹ ساله هدیه داد. این دختر، رقم پیگیری کنندگان چاوز در «توپیتیر» را به سهم‌میلون نفر رسانده بود. در آوریل ۲۰۱۰ او استفاده از فضای توپیتیر را برای نمایش دیدگاه‌های خود آغاز کرد. یکی از توپیت‌های او این بود: «چاوز مردم است، همه ما چاوز هستیم، چاوز می‌تواند».

نگاه کارشناس

مهدی فاخری:

«چاوزیزم» زنده است

● مرگ، چاوز را از کرسی قدرت جدا کرد. رهبر «انقلاب بولیواری» که پیشاپیش مردم کشورش را برای جشن تولد ۷۷سالگی‌اش دعوت کرد، بعد از دو سال دولٔ نفسگیر با سرطان سرانجام تسلیم شد. چاوز، مردی بود که نفت را به پای سفره‌های مردم برد و امید را به خانه‌های فقیران، اما در دوره زمامداری‌اش خیابان‌ها به صحنه قتل‌های دلخراش تبدیل شد. اما چاوز چه خوب چه بد، چه دیکتاتور چه کاریزما، چه سوسیالیست چه پوپولیست، سبک و سیاقی را در ونزوئلا ایجاد کرد که با نام او در تاریخ گره می‌خورد. آینا میراث چاوز زنده می‌ماند و به حیات سیاسی خود ادامه می‌دهد؟ «شرق»، سرنوشت ونزوئلای بعد از چاوز را در گفت‌وگویی با مهدی فاخری، سفیر سابق ایران در مکزیک مورد بررسی قرار داده است.

❖ چاوز سبک و سیاق و مدل جدیدی را در ونزوئلا به راه انداخت. آینا میراث چاوز با خودش می‌برد؟

چاوزیزم زنده است. چاوز طبقه جدیدی به‌وجود آورد که بعد است به این راحتی پرچم ایده او را به زمین بگذارد. از سوی دیگر چاوز در آمریکای لاتین تحولی ایجاد کرد و باعث روی کار آمدن چپ‌ها با انتخابات شد. از پیش از این چپ‌ها در آمریکای لاتین با انقلاب به قدرت می‌رسیدند اما طی سال‌هایی که از قرن ۲۱ می‌گذرد، ۱۲ حکومت چپ با انتخابات در آمریکای لاتین روی کار آمدند. از این رو فرهنگ جدیدی در آمریکای لاتین ایجاد شد که به واسطه آن به‌طور مثال چپ‌ها نیکاراگوئه که با انقلاب به قدرت رسیده بودند در نوبت دوم از طریق انتخابات به قدرت رسیدند.

❖ اما برخی بر این باورند که انتخابات این کشورها سالم نیست و شبایبه تقلب در انتخابات همواره در این کشورها وجود داشته است؟

برخلاف این تصور، نظام انتخاباتی کشورهای لاتین از نظام انتخاباتی بسیاری از کشورهای آسیایی سالم‌تر است.

❖ به نظر می‌رسد چاوز در روابط خارجی نیز بدعت‌گذار سیاست جدیدی بوده است؟
بله، چاوز در ارتباط خارجی کشورهای لاتین الگوی جدیدی ایجاد کرد: الگوی که قالب قرن بیستم را متحول کرد. کشورهای آمریکای لاتین تنها با کشورهای آمریکای شمالی رابطه داشتند اما چاوز نوعی تنوع و گستردگی در روابط خارجی لاتین به‌وجود آورد. نقش برزیل که جزو رهبران درحال توسعه در سازمان جهانی تجارت و ادوطلب کرسی دایم شورای امنیت است، معلول همین نقش جدید آمریکای لاتین است.

❖ گزینه‌های احتمالی برای جایگزینی چاوز چه کسانی هستند و در کل مکانیسم انتخاب جانشین به چه صورت است؟
قاعدتا مکانیسم طبیعی این است که تا ۳۰ روز بعد از مرگ چاوز، ونزوئلا انتخابات جدیدی را برگزار کند. در میان کسانی که امکان جایگزین چاوز شدن آنها وجود دارد، می‌توان از رهبر مخالفان چاوز به نام «کاپریس» نام برد، فردی با سن کمتر و نشاط بیشتر. گروه‌های دیگر اپوزیسیون هم پشت سر او صف خواهند دید.

از سوی دیگر «مادورو»، معاون چاوز نیز به عنوان یکی دیگر از چهره‌های احتمالی برای جایگزینی چاوز است. در کل بعید است که چهره‌های بارآمنده از حزب چاوز به این راحتی دست از قدرت بردارند. در انتخابات و زندمداد فیدل انتظار انتخابات مهندسی‌شده و دستکاری در آرا را داشت و از سوی دیگر امکان حضور پرشور اپوزیسیون در این انتخابات وجود دارد اما ممکن است بخش‌هایی از اپوزیسیون به این نتیجه برسند که با بارآمدن‌گان چاوز ائتلاف کنند که این امر ممکن است شانس آنها را پایین آورد. از طرفی ممکن است مخالفان چاوز کمبود نفوذ در داخل را با جست‌وجوی انتقادهای خارجی پر کنند. در روزهای آتی بیانات و مواضع رهبران قدرتهای منطقه‌ای می‌تواند به نیروهای مخالف است بگویند که مخالفان مردمی نیستند. در کل در روزهای آتی شاهد اوج‌گیری منازعات انتخاباتی در ونزوئلا خواهیم بود.

❖ بسیاری از ناظران بر این باورند که ونزوئلا با رهبری چاوز تنها کشور سوسیالیست قرن بیست‌ویکمی بود که با ایالات متحده روابط خوب و نزدیکی نداشت. نظر شما در این مورد چیست؟
به نظر من این تعبیر درستی نیست. نمی‌توان تنها با توجه به ژست‌های سیاسی رهبران به روابط دو کشور پی برد. ونزوئلا و ایالات متحده روابط تجاری و اقتصادی نزدیکی با هم داشته‌اند و تبادل فرهنگی این دو کشور نیز در سطح بالایی قرار دارد. نقش عدد و رقم‌های اقتصادی و تبادل فرهنگی را نباید کمتر از نقش سفارتخانه‌های سیاسی دانست. به نظر من ونزوئلا در زمان چاوز سعی کرد سیاست خارجی مستقل‌تری را دنبال کند اما این به معنی دشمنی دو کشور نیست.

❖ کارشناس آمریکای لاتین و سفیر سابق ایران در مکزیک